

واکنش کیفری و مراجع صالح رسیدگی به قاچاق کالا و ارز

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۱۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۳/۱۸)

علی باوندپور

چکیده

قاچاق کالا یک نوع از انواع قاچاق است که در آن جا به جایی کالاهایی از نقطه ای به نقطه دیگر یا از جایی به جای دیگر انجام می گیرد، که ممکن است این جا به جایی در داخل کشور صورت بگیرد که به قاچاق داخلی معروف می باشد و یا به طور مخفیانه وارد مرزهای کشور شده و یا خارج شود که قاچاق خارجی می نامند. به هر حال در هر دو صورت به عنوان جرم قاچاق کالا محسوب خواهد شد و مجازاتی از طرف قانون و دولت به آن ها تعلق خواهد گرفت. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در حالی صلاحیت های اختصاصی دادسرا و دادگاه انقلاب و سازمان تعزیرات حکومتی در رسیدگی به جرم قاچاق کالا و ارز و نیز تخلفات مربوط به قاچاق کالا و ارز را مشخص کرده است که صدور آرای متفاوت از دادگاه های مختلف در تعیین مرجع صالح برای رسیدگی به موضوع قاچاق کالا و ارز باعث شد تا دیوان عالی کشور با صدور رای وحدت رویه قضایی، تکلیف موضوع را مشخص کند. مرجع صالح رسیدگی به جرم قاچاق باید در مدت زمانی که قانون تعیین کرده است، به پرونده رسیدگی کرده و تعیین تکلیف نماید. هر کدام از شعب دادسرا و دادگاه انقلاب اسلامی، تعزیرات حکومتی و شعب تجدیدنظر آنها، به عنوان مرجع صالح رسیدگی به جرم قاچاق باید ظرف مدت زمان یک ماه از زمان تحویل پرونده، به موضوع رسیدگی کرده و رای نهایی را صادر کنند. با توجه به اهمیت این موضوع در مقاله حاضر قصد داریم به بررسی واکنش کیفری و مراجع صالح رسیدگی به قاچاق کالا و ارز بپردازیم.

واژگان کلیدی: قاچاق کالا، قانون مبارزه با قاچاق، دادگاه انقلاب، مرجع صالح، قاچاق

ارز

بخش اول: بررسی و شناخت واژه قاچاق

در قوانین کشور ما از قاچاق تعریف مشخصی ارائه نشده است ولی با در نظر گرفتن مجموع مقررات مربوطه می توان گفت وارد کردن اشیاء ممنوع الورود، حمل و نقل و تجارت این اشیاء یا وساطت در این امر جهت خارج کردن اشیاء ممنوع الصدور از مملکت با علم به ممنوعیت آن از تسلیم اشیاء موصوف به متصدی حمل و نقل قاچاق می باشد، علاوه بر وارد کردن اشیاء ممنوع الورود و خارج کردن اشیاء ممنوع الصدور، از ورود و صدور کالا به کشور بدون پرداخت حقوق قانونی دولت یا بدون رعایت مقررات و ضوابط گمرکی به عنوان قاچاق می توان نام برد ماده ۴۵ قانون مجازات مرتکبین قاچاق اشعار می دارد، مقصود از قاچاق اسلحه وارد کردن به مملکت و یا صادر کردن از آن یا خرید یا فروش و یا حمل و نقل و یا مخفی کردن و یا نگاه داشتن آن است در داخل مملکت مقصود از قاچاق اشیاء ممنوع الورود یا ممنوع الصدور وارد کردن اشیاء ممنوع الورود است به خاک ایران به هر نقطه از مملکت که اشیاء کشف شود و یا خارج کردن اشیاء ممنوع الصدور و یا تسلیم آن است به متصدی حمل و نقل و یا هر شخص دیگری برای خارج کردن و یا هر نوع اقدام دیگری برای خارج کردن از مملکت. واژه کالا که در بند های یازده گانه ماده ۲۹ قانون امور گمرکی سال ۱۳۵۰ و آیین نامه اجرایی آن مصوب سال ۱۳۵۱ به دفعات مورد استفاده قانونگذار قرار گرفته است عبارت است از هر شیء خارج از وجود انسان که نیاز بشر را برآورده می کند و قابلیت مصرف و مبادله را دارد. کالا در یک تقسیم بندی کلی به کالای طبیعی شامل آنچه که در جریان فعل و انفعال طولانی در طبیعت تولید می شود نظیر مواد معدنی، قارچ طبیعی، عسل و مروارید طبیعی است و دیگری کالای مصنوعی شامل آنچه ساخته و پرداخته قدرت ذهن بشر و دست های اوست مانند ماشین آلات صنعتی، لوازم صوتی و همچنین اشعار، سخنرانی ها، دفاع شفاهی و کلاهی دادگستری، از طرف دیگر کالا را می توان بر اساس تقسیم بندی کالا به اعتبار قانون و مقررات

صادرات و واردات^۱ به کالای مجاز مثل اکثر لوازم صوتی تصویری خارجی، کالای مشروط مثل داروی خارجی و کالای ممنوع مثل مشروبات الکلی تقسیم بندی نمود.^۲

تعریف کالا در لایحه: هر شئی که در عرف ارزش اقتصادی دارد.

بخش دوم: نگاهی به راهکارهای اصلاحی و نوآوری‌های لایحه جدید قاچاق

بند اول: نگاهی به راهکارهای اصلاحی در این راستا

دولت در برخورد با پدیده قاچاق، باید بیشتر به فکر رفع انگیزه‌های اقتصادی قاچاق باشد. دنیای امروز بیش از هر زمان دیگری به تجارت وابسته است. بازارهای یکپارچه جهانی، تفاوت سطح توسعه صنعتی کشورها با یکدیگر، سخت‌گیری سازمانی تجارت جهانی برای ممانعت از واردات کالا توسط کشورها و شرایط را به گونه‌ای کرده است که هرگز هیچ کشوری نمی‌تواند بازار خود را روی واردات یا قاچاق کالای دیگران ببندد. درونگرایی اقتصادی نیز به مثابه یک استراتژی اقتصادی، کارآمدی خود را از دست داده است.

برخی از دانشمندان معتقدند که راه حل‌های غیر اقتصادی برای کاهش قاچاق موفق نبوده و چاره‌ای را باید در راهکارهای اقتصادی جستجو کرد. فقدان شفافیت در ارائه اطلاعات و انحصاران در دست گروهی خاص و نزدیک به برخی از دولت مردان، یکی از عوامل اصلی قاچاق کالا می‌باشد. اگر اطلاعات به هنگام به مردم ارائه شود و فعالان اقتصادی توانایی داشته باشند که در این مسیر رقابت کنند، قاچاق بی‌معنی خواهد بود. در این رقابت منجر به کاهش حاشیه شود خواهد شد. به این ترتیب به مرور قاچاق مقرون به صرفه نخواهد بود.

۱- آنچه مسلم است، قاچاق کالا و ارز تا زمانی که سوددهی داشته باشد، در جامعه شایع است و تا زمانی که سوددهی دارد نمی‌توان انتظار داشت که این معضل به کلی ریشه کن شود.

۲- قاچاق برخی از کالاها امروزه انحصاری شده به گونه‌ای که برخی از کالاهای موجود در سطح بازار، صرفاً به صورت قاچاق وارد کشور شده‌اند و کسی مجوز ورود برای آنها صادر

^۱- ماده ۲ قانون صادرات و واردات کالا مصوب چهارم مهر ماه ۱۳۷۲

^۲- ولیدی، محمد صالح، مقدمه ای بر حقوق کیفری اقتصادی، انتشارات میزان، چاپ اول زمستان ۱۳۸۶،

نکرده است. و از طرفی به برخی از کالاها دولت عوارض و تعرفه شدید وضع نموده و تا زمانی که جامعه نیاز به تقاضا داشته باشد کالا نیز از راه قاچاق وارد می شود و هرچند ریسک کالا بالا و معامله آن هم مجازات شخصی داشته باشد.

۳- رابطه بین اشتغال، بی کاری و قاچاق را نیز نباید از نظر دور داشت. به محدودیت مناطق مرزی کشور و سود ده نبودن قاچاق قطعاً اشتغال و پرداختن به این امر از نگاه برخی افراد کم بضاعت و محتاج، توجیه پذیر می نماید. لذا دولت باید به این امر توجه ویژه ای داشته باشد و از محل درآمد حاصل از قاچاق درصدی نیز به امرار معاش و رفاه مرزنشینان اختصاص یابد.

۴- کنترل بازارهای داخلی و واحدهای توزیع کننده توسط دولت از طریق الزام به صدور فاکتور به واسطه ارگانهایی چون تعزیرات حکومتی و سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت ها و توزیع کالا، از جمله موارد دیگری است که می توان به واسطه آن، سهولت و امنیت معاملات کالاهای قاچاق را در بازار با مشکل مواجهه نمود.

۵- دولت باید امکان و شرایط ارتکاب قاچاق کالا و ارز را سخت و مشکل نماید تا همواره قاچاقچیان سرمایه خود را در خطر دیده و از انگیزه و رغبت شان به قاچاق کاسته شود.

۶- دولت باید توان و هدف خود را در امر مبارزه با قاچاق معطوف به کاهش حاشیه سود قاچاقچیان و تقلیل و کاهش انگیزه های ارتکاب قاچاق از طریق مقتضی اقدام نماید و از طرف دیگر با برخورد قاطع و یکنواخت و یکسان کردن سیستم رسیدگی و سیاستهای برخورد با قاچاق در کشور امکان قرار برخی متخلفین از مجازتهای قانونی را مسدود نماید.^۱

۱) راهکارهای کوتاه مدت

- ۱-۱- برخورد قاطعانه با مجرمین
- ۲-۱- اطمینان دادن به تولیدکنندگان در خصوص ایجاد فضای سالم اقتصادی با تثبیت قوانین و مقررات

- ۳-۱- استفاده از افراد سالم و صلاحیت‌دار در برخورد با مجرمین
- ۴-۱- استفاده از مدیران ارآمد و سالم، بالاخص در حوزه‌های اقتصادی
- ۵-۱- برخورد یکسان با افراد متخلف در هر سمت و شغلی
- ۶-۱- اطلاع‌رسانی سنجیده به دور از تبلیغات و تنش در جامعه
- ۷-۱- تقویت نظارت گمرکی به ورود کالا از مناطق آزاد تجاری
- ۸-۱- نظارت قوی‌تر بر مرزهای ورودی اجناس و کالای قاچاق
- ۹-۱- ساماندهی معیشت مرزداران با نیروی انتظامی، گمرک، سایر ادارات و سازمانهای مربوطه
- ۱۰-۱- کاهش و رفع موانع غیر تعرفه‌ای و تبدیل آن به تعرفه‌های منطقی

۲) راهکارهای بلندمدت

- ۱-۲- همدلی و همراهی مسئولان در مبارزه با قاچاق و مفاسد مالی و اقتصادی
- ۲-۲- ایجاد یک سیستم نظارتی خودکار
- ۳-۲- برقراری ارتباط نزدیک با کشورهای همجوار و ایجاد سیستم یکسان در امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز
- ۴-۲- حمایت و ارتقای کیفی محصولات داخلی
- ۵-۲- ساماندهی راهکارهای انتظامی و امنیتی در امر مبارزه با قاچاق
- ۶-۲- تغییر سیستم توزیع کالا از مبداء ورود کالا
- ۷-۲- شفاف سازی مقررات به منظور جلوگیری از تغییر نادرست و سوء استفاده از آن
- ۸-۲- هماهنگی مراکز متعدد تصمیم‌گیری در مورد واردات و تعرفه‌های آن
- ۹-۲- استفاده از روشهای تبلیغی مناسب در جهت هدایت افکار عمومی

۲-۱۰- روشنگری و آموزش جامع از سطوح ابتدایی، آموزشی و نمادینه شدن حس احترام به قانون

۲-۱۱- تقویت قانون گرایی در امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز

۲-۱۲- تقویت مبانی مذهبی مردم (بهره‌برداری از آراء محلی در جهت مبارزه با قاچاق کالا و ارز)

۲-۱۳- پیوستن ایران به بازار جهانی و بالا بردن کیفیت اجناس ایرانی.

چنانچه که از این رهیافت به نظر می‌رسد مادامی که مقوله قاچاق کالا سودآوری داشته و تقاضا برای کالای خارجی بیشتر باشد و جامعه کشش و تقاضای مصرف آن کالا را احساس نمایند تحت هر شرایط و اعمال قوانین سختگیرانه قضایی، برخورد انتظامی و ایجاد موانع فیزیکی، باز عده‌ای سودجو کالاهای قاچاق موردنظر را وارد کشور می‌کنند. تنها راه اساسی به نظر محقق پایین آوردن سوددهی کالاهای قاچاق و رقابت سالم و اقتصادی صنایع داخلی، و همچنین برخورد اقتصادی با مقوله قاچاق اعمال سود نه برخورد قضایی و سیاست سرکوب گرانه.

بند دوم: نوآوری‌ها و ویژگی‌های لایحه مبارزه با قاچاق کالا و ارز

موضوع اصلاح قوانین در حوزه قاچاق ضرورتی است که طی سالیان متمادی از سوی مجریان، قضات و سایر دست‌اندرکاران مبارزه با قاچاق کالا و ارز مطرح می‌شد و علت اصلی به ثمر نرسیدن بسیاری از پرونده‌های کلان قاچاق، برائت مجرمین و فرار آنان از اعمال مجازات‌بازدارنده، وجود قوانین ناقص و ناکارآمد عنوان می‌شد.

در حوزه قاچاق کالا و ارز در حال حاضر سه قانون مرجع وجود دارد که عبارتند از:

۱- قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲، که به علت قدمت ۷۰ ساله تصویب آن، اثری از مقررات پیشگیرانه و نیازهای امروز مبارزه با قاچاق در آن نیست. این قانون به اصل موضوع قاچاق در عوارض و مالیات‌های دولت و مجازات‌های آن پرداخته و موضوع قاچاق گمرکی که در حال حاضر معضل اساسی محسوب می‌شود، مورد توجه دقیق قرار نگرفته و از

سوی دیگر انطباق احکام با تغییرات مستحدثه در تجارت - و نقطه مقابل آن قاچاق کالا با توجه به قدمت قانون به چشم نمی خورد.

۲- قانون امور گمرکی، مصادیق جرم قاچاق گمرکی و عناصر تشکیل دهنده آن را بیان می کند. با اجرای قانون جدید امور گمرکی، شاهد تغییراتی در قوانین و مقررات بازرگانی خارجی خواهیم بود، از این رو قوانین و مقررات حوزه قاچاق می بایست به این رویه ها نیز توجه داشته باشد. ماهیتا این قانون امکان ورود به همه جوانب جرم قاچاق را نداشته و صرفا دامنه محدودی از این حوزه را در بر می گیرد به نحوی که به برخی از مصادیق قاچاق صرفا به عنوان یکی از موضوعات مورد اشاره این قانون بدون ارائه تعریفی از جرم قاچاق در کنار سایر موضوعات دیگر اشاره شده و در سایر مسائل پیرامون موضوع با توجه به خروج موضوعی از قانون امور گمرکی کماکان به قوانین دیگر مراجعه می شود.

۳- قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام، که عمده تاً راجع به نحوه دادرسی و رسیدگی به جرم قاچاق است، این قانون به عنوان آخرین اراده منسجم در عرصه قاچاق، خود واجد ایرادها و ابهامات فراوانی است که به برخی از آن به اختصار اشاره می کنیم:

ایراد اول: آن این است که در قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی و قوانین قبل آن به جرائم سازمان یافته توجهی نشده و بلکه تمام سیاستی که اتخاذ شده بود مشوق جرائم سازمان یافته بود.

ایراد دوم: در مورد قاچاق کالایی که کمتر از ده میلیون ریال ارزش داشته بدون توجه به سوابق مرتکب وبدون توجه به امکان سازمان یافته بودن جرم فقط به ضبط کالا در گمرک اکتفا می شود، این امر باعث می شود که قاچاقچیان ادعا کنند که کالای مورد نظر متعلق به چندین نفر بوده تا سهم هر کدام از آنها کمتر از ده میلیون ریال باشد یعنی نوعی فرار از مقررات قاچاق محسوب می شود. ۱

۱. یوسفیان شوره دلی، بهنام، جزوه درسی مقطع کارشناسی ارشد حقوق کیفری اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی

واحد دامغان، مهر ۱۳۹۱، ص ۴۳.

ایراد سوم: در موردی که ارزش کالا بیش از ده میلیون ریال باشد قانون به قاچاقچی اجازه داده که با پرداخت جزای نقدی در مرحله اداری پرونده را به کلی مختومه کند، بدیهی است در مواردی که قاچاق به صورت سازمان یافته یا حرفه ای صورت بگیرد چه بسا قاچاقچی برای آنکه سایر همداستان او دستگیر نشوند یا سوابق او معلوم نشود در همان مراحل اداری جزای نقدی را پرداخت کند و چه بسا سرشبهه ها و وروئسای باند های قاچاق در مواردی که یکی از عوامل و افراد جزئی گروه دستگیر می شود به راحتی می توانند با پرداخت جزای نقدی در مرحله اداری عملاً از تحقیقات بیشتر و کشف ارتباط های گروه و اعضای باند و اقدامات سازمان یافته گروه جلوگیری کنند. ۱

ایراد چهارم: وقتی بر فرض پرونده ای قضایی تشکیل شود، قانون متأسفانه به دادسرا و دادگاه اجبار کرده که حتماً ظرف یک ماه تعیین تکلیف شود در غیر این صورت با درخواست سازمان شاکی مثل گمرک پرونده به سازمان تعزیرات حکومتی فرستاده می شود که این وضعیت دارای اشکالاتی از جمله اولاً اینکه رسیدگی به جرائم سازمان یافته تقریباً هرگز در مدت یک ماه ممکن نیست بنابراین رسیدگی دادگاه عملاً جنبه حصری پیدا می کند، ثانیاً وقتی مرجع قضایی صرفاً به علت طول کشیدن پرونده موظف به تحویل آن می شود به نوعی به شان دستگاه قضایی و استقلال آن اهانت می شود و همین اهانت موجب دلسردی مراجع قضایی می شود تا در موارد بعدی کندوکاو زیادی به خرج ندهند.

ایراد پنجم: قانون نحوه تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۴ این است که پرونده های قاچاق را مشمول آیین دادرسی کیفری و مشمول مقررات تجدید نظر ندانسته در حالی که تشریفات دادرسی و تجدید نظر نه تنها تضمین کننده عدالت و از حقوق مسلم هر فرد از جمله متهم است بلکه به جلوگیری از اعمال نفوذ و انحراف از رسیدگی هم کمک می کند یعنی به نفع جامعه هم هست که پرونده تجدید نظر داشته باشد بنابر این تعجبی ندارد که از سال ۱۳۷۴ به بعد قاچاق در کشور ما کم نشده بلکه به صورت تصاعدی رشد داشته است.

ایرادششم: مجازات‌های تعیین شده برای جرم قاچاق (جزای نقدی) در این قانون یکسان و در مورد انواع کالاها حداقل دو برابر ارزش کالا تعیین شده ولی حداکثر ذکر نشده است. همین موضوع سبب شده در رویه قضات محاکم از دو برابر جزای نقدی فراتر نروند در حالیکه لازمه اصل تناسب جرم و مجازات ایجاب می کند که قاچاق کالای مجاز و مجاز مشروط و ممنوعه متفاوت باشد. همچنین در این ماده به حبس محکوم علیه اشاره شده ولی میزان آن نامعلوم است.

ایراد هفتم: طبق مقررات فعلی اگر متهم به هر دلیلی جزای نقدی مورد حکم را نپردازد، وفق ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (مصوب ۱۳۷۷) جزای نقدی تبدیل به حبس نیز از حداکثر مدت حبس مقرر برای همان جرم فراتر نخواهد بود. در ماده یک قانون مجازات مرتکبین قاچاق این حبس دو سال است. از سوی دیگر با فرمول اعلام شده توسط قوه قضائیه میزان حبس بدل از جزای نقدی از قرار هر روز دویست هزار ریال است. بنابراین اگر فردی محکوم به پرداخت یکصد و پنجاه میلیون ریال جزای نقدی شود، می بایست دو سال حبس را تحمل کند در حالی که اگر مبلغ محکومیت بیش از این (مثلاً یکصد و پنجاه میلیارد ریال) نیز باشد، به همین اندازه حبس محکوم خواهد شد و پرونده مختومه می شود.

ایراد هشتم: اختصاصی بودن اعلام جرم قاچاق، در حال حاضر یکی از معضلات اساسی جرم قاچاق آن است که بدون شکایت گمرک، مرجع رسیدگی کننده با تکلیفی در تعقیب پرونده مواجه نیست. از طرفی گمرک نیز طبق قانون فرصت دارد ظرف مهلت پنج روز شکایت خود را مطرح سازد. طبق قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، از زمان کشف کالا و دستگیری متهم ضابطان اجازه ندارند بیش از ۲۴ ساعت متهمان را تحت نظر نگه دارند. بنابراین در حال حاضر متهم بلاقید آزاد می شود تا شکایت گمرک تنظیم و مرجع قضائی (دادسرا) شروع به رسیدگی کند. علت آمار بالای متهمان فراری در پرونده‌های قاچاق نیز همین خلاء قانونی است. در صورتی که اگر قاچاق مانند سایر جرایم به محض کشف توسط ضابطان نزد مقام قضائی مطرح می شد، تأمین متناسب از متهم اخذ گردیده و امکان فرار از وی سلب می شود.

بخش سوم: بررسی واکنش کیفری در قبال قاچاق کالا و ارز

بند اول: مجازاتهای اصلی

مجازاتهای مختلفی برای مرتکبان قاچاق کالا و ارز از طرف قانونگذار تعیین شده است که معمولاً در مرتکب قاچاق کالا و ارز به حوالی سه نوع از این مجازاتها محکوم می‌گردد. مجازاتهای پیش‌بینی شده برای قاچاق کالا و ارز عمدتاً از نوع مجازاتهای اصلی هستند. مجازاتهایی که قانونگذار برای جرم معینی پیش‌بینی نموده و مستقیماً مورد حکم قرار می‌گیرد. « و همچنین در برخی از موارد مجازاتها جنبه تکمیلی دارند؛ چنین مجازاتی توسط مرجع قضایی باید در حکم دادگاه قید شود. یعنی از مجازاتهای تکمیلی به اجباری بوده و برخی از آنها اختیاری است. مجازاتهای اصلی مباشرت در ارتکاب جرم قاچاق کالا و ارز از نظر ماهیت در دسته‌های زیر قابل تقسیم هستند.

۱) مجازاتهای محاربه و افساد فی الارض

قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۶۹/۹/۱۹ بعضی از مرتکبین قاچاق ارز را مستحق مجازات حد محاربه و افساد فی الارض می‌داند. ماده ۲ قانون مورد بحث مقرر می‌دارد: هر یک از اعمال مذکور در بنده ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد افساد فی الارض باشد مرتکب به اعدام... محکوم می‌شود در غیر این صورت به حبس از پنج تا بیست سال محکوم می‌شود^۱

در لایحه قاچاق کالا و ارز در ماده ۲۵ این قانون اعلام داشته که در صورتی که ارتکاب قاچاق سازمان یافته کالا و ارز به قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران و یا با علم به مؤثر بودن آن صورت گیرد و منجر به اخلال گسترده در نظام تولید داخلی، ارز، بازرگانی و تجارت قانونی شود، مرتکب مفسد فی الارض شناخته می‌شود و علاوه بر مصادره اموال به

۱. آقازاده، علیرضا، مجموعه قوانین و مقررات مربوط به جرائم قاچاق کالا و ارز، انتشارات اندیشه، تهران، چاپ

مجازات آن مطابق قانون مجازات اسلامی محکوم می‌گردد و همچنین در ماده ۲۶ اذعان داشته در صورتی که احراز شود مرتکب جرایم قاچاق کالا و ارز با علم و عمد، عواید و سود حاصله از این جرایم را به نحو مستقیم یا غیرمستقیم برای تأمین مالی تروریسم و اقدام علیه امنیت ملی و تقویت گروههای معاند با نظام اختصاصی داده یا هزینه نموده است، علاوه بر مجازاتهای مقرر در این قانون حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد.

۲) مجازات سالب آزادی

۲-۱- مجازات حبس

مجازات حبس یکی از مجازاتهای اصلی در سیاست کیفری ایران است. به رغم دیدگاههای نوین نیز بر کاهش استفاده از حبس در مقررات جزائی و اصلاحات انجام شده در رژیم اعمال این مجازات در ایران استفاده از این ظرفیت به ویژه در مورد مجازاتهای مغل امنیت، در اولویت سیاست جنایی ایران قرار دارد. همانطوری که میشل فوکو نیز بیان داشت بشر هنوز مجبور به استفاده از این سلاح و در واقع زندان راه کریهی است که نمی‌توان از آن اجتناب کرد.^۱ بر این پایه قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ برای کلیه انواع جرایم قاچاق کالا از مجازات حبس برای پاسخگویی به این پدیده استفاده نموده است. ناگفته نماند با اصلاح ماده ۱ قانون مذکور در سال ۱۳۷۳ مجازت حبس صرفاً برای مرتکبین قاچاق کالای ممنوع الورود و ممنوع الصدور و کالاهای انحصاری مقرر شده و در مورد کالاهای مجاز و موضوع عایدات دولت، تحمل کیفر حبس در مخروبه مجازات شلاق اکتفا شده است.^۲ در لایحه در فصل چهارم (قاچاق کالاهای ممنوع) در ماده ۱۹ قانونگذار اعلام داشته هرکسی مرتکب قاچاق کالای ممنوع گردد یا کالای قاچاق را نگهداری یا حمل نماید یا بفروشد، علاوه بر ضبط کالا به شش ماه تا دو سال حبس، جزای نقدی معادل ده برابر ارزش کالا و تا

۱. فوکو، میشل، امنیت و تنبیه تولد زندان، ترجمه نیکو سرخونی، تهران، انتشارات سمت، چاپ چهارم، ۱۳۸۲.

هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌شود. در صورتی که ارزش کالای ممنوع قاچاق بیش از یکصد میلیون ریال باشد وسایل نقلیه مورد استفاده ضبط می‌گردد. و در فصل پنجم نیز در صورتی که قاچاق کالاها ممنوع و یا غیر ممنوع و یا ارز به نحو سازمان یافته و یا قاچاقچی حرفه‌ای (شخصی است که بیش از سه بار مرتکب تکرار یا تعدد جرم قاچاق شود) محسوب شوند، مجازاتهای حبس مقرر در مواد ۲۲ و ۲۴ و ۲۷ لایحه محکوم می‌شوند. همچنین در ماده ۲۹ لایحه در صورتی که حامل یا مالک کالا و یا ارز قاچاق در مواجهه با مأمورین کاشف به هر نحوی مقابله نماید اگر محل از مصادیق دست بردن به سلاح و سلب امنیت مردم نباشد علاوه بر مجازاتهای مقرر برای ارتکاب قاچاق به شش ماه تا دو سال حبس و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌شود.

۲-۲- بازداشت بدل از جزای نقدی

در برخی از کشورها از جمله ایران در صورت عجز محکوم علیه از پرداخت جزای نقدی، باتوجه به جنبه قانونگذاری برای احتساب جزای نقدی تعیین می‌کند به نسبت میزان جزای نقدی محکوم علیه به جای پرداخت جزای نقدی مجازات حبس را تحمل می‌نماید و مستند قانونی آن قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی مصوب (۱۳۷۷/ ۸/۱۰) می‌باشد براساس ماده یک این قانون اگر شخصی به موجب حکم دادگاه در امور کیفری به جزای نقدی محکوم شود آن را نپردازد و یا مالی غیر از مستثنیات دین از او به دست نیاید به دستور قاضی صادرکننده حکم، در ازای هر پنج هزار تومان یک روز بازداشت می‌شود. در تبصره این ماده مقرر شده است این مبلغ به تناسب تورم در سه سال یک بار به پیش‌بینی وزیر دادگستری و تصویب رئیس قوه قضائیه تعدیل می‌گردد. مجدداً طی بخشنامه وزیر دادگستری شماره ۱۱/۵۲/۲۵۱۴ مورخ ۱۳۸۵ باتوجه به نرخ تورم مبلغ به یکصد و پنجاه هزار ریال افزایش یافت. بنابراین اگر شخص به اتهام قاچاق کالا و ارز تحت تعقیب قرار بگیرد و محکوم به پرداخت جزای نقدی شود ولی قادر به پرداخت نباشد به ازای هر یکصد و پنجاه هزار ریال یک روز بازداشت می‌گردد و مطابق ماده یک قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی (اصلاحی ۱۳۸۱/۶/۲) مدت بازداشت بدل از جزای نقدی از حداکثر مدت حبس مقرر در قانون برای آن

جرم بیشتر نخواهد شد و در حال حداکثر مدت بدل از جزای نقدی نباید از پنج سال تجاوز نماید. در خصوص جرایم قاچاق کالا نظر به اینکه حداکثر حبس مقرر در ماده یک قانون مجازات مرتکبین قاچاق (اصلاحی ۱۳۷۳) دو سال حبس تعزیری می‌باشد و حداکثر مدت بدل از جزای نقدی نباید از دو سال تجاوز نماید.

۳- مجازاتهای مالی

۳-۱- مجازات نقدی

برابر اعلامیه کنوانسیون پالمو، جرایم سازمان یافته با هدف تحصیل مال یا منفعت اقتصادی ارتکاب می‌یابند و انگیزه اصلی مرتکبین جرایم اقتصادی از جمله قاچاق کالا و ارز رسیدن به منافع اقتصادی بیشتر است. بنابراین مجازاتهای مالی بهترین مجازات برای جرایمی است که با هدف بدست آوردن پول ارتکاب می‌یابد هدف از تعیین جزای نقدی نسبی این است که با منظور کردن جریمه‌ای بیش از درآمد ناشی از جرم، مجرم از تلاش برای بدست آوردن سود نامشروع بازداشته شود.^۱

به همین دلیل جزای نقدی بیشتر از سودی باشد که در صورت ارتکاب جرم عاید بزهکار می‌شود در واقع طبع اصل حسابگری جزایی جرمی بتنام «باید رنج کیفر از میزان سود بزه تجاوز کند»^۲ قانونگذار ایران به این فلسفه و هدف تعیین جزای نقدی توجه داشته و در راستای تشدید مقابله با قاچاقچیان و اصلاح و رفع خلأهای قانونی در بند سوم تبصره هفت قانون بودجه سال ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ برای مجازات مرتکبین قاچاق کالا جریمه قاچاق کالای مکشوفه در تمام نقاط مرزی در داخل کشور به شرح ذیل مقرر نمود.^۳

۱. آشوری، محمد، جایگزینی زندان با مجازاتهای بینابین، انتشارات گل، تهران، انتشارات گل، ۱۳۸۲، ص ۲۰۸

۲. پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین، نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۱،

• مجازات و جریمه کالاهای قاچاق ورودی:

الف) کالاهای موردنیاز ضروری مصرف، دو برابر قیمت کالا جریمه

ب) کالاهای غیر ضروری پنج برابر قیمت کالا، جریمه

ج) کالاهای غیر مجاز و ممنوعه ۱۰ برابر قیمت کالا، جریمه

• مجازات و جریمه کالای قاچاق خروجی

الف) کالای عمومی در صورت کشف، دو برابر قیمت کالا و جریمه

ب) کالاهای یارانه‌ای و یا تولید شده از مواد الویه یارانه‌ای در صورت کشف پنج برابر قیمت کالا جریمه. مجازات نقدی و جریمه: در لایحه در ماده ۱۵ اعلام می‌دارد اگر شخصی مرتکب قاچاق کالا و ارز و حمل و یا نگهداری آن شود، علاوه بر ضبط کالا یا ارز، به جریمه نقدی زیر محکوم می‌شود:

الف) کالای مجاز: جریمه نقدی یک تا دو برابر ارزش کالا

ب) کالای مجاز مشروط: جریمه نقدی معادل یک تا سه برابر ارزش کالا

ج) کالای یارانه‌ای: جریمه نقدی معادل دو تا چهار برابر ارزش کالا

ارز: جریمه نقدی از ورودی یک تا دو برابر بهای ریالی آن و جریمه نقدی ارز خروجی دو تا چهار برابر بهای ریالی آن

و همچنین در مورد قاچاق کالاهای ممنوع (ماده ۱۹ لایحه) جزای نقدی معادل ده برابر ارزش کالای عنوان داشته است.

• ضبط و مصادره اموال

مجازات مالی قابل اعمال در مرحله قضایی نسبت به مرتکبین قاچاق بهای بیش از ده میلیون ریال اجمالاً در قسمت اخیر ماده ۲ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی بیان شده و در صورت اثبات جرم علاوه بر حبس متهم و ضبط کالا یا ارز، متهم به پرداخت دو برابر بهای کالای قاچاق یا از محکوم می‌شود^۱

در ضمن در مجازاتهای مالی در صورتی که قصد حاضر به پرداخت جریمه مقرر نباشد پرونده مهمتر جهت تعقیب کیفری و وصول جریمه حداکثر ظرف ۵ روز از تاریخ کشف به مراجع قضایی ارسال می‌گردد و در صورت اثبات جرم علاوه بر حبس متهم و ضبط کالا یا ارز، جریمه متعلق که در هر حال از دو برابر بهای کالای قاچاق یا ارز کمتر نخواهد بود، دریافت می‌گردد.^۲ در لایحه قاچاق کالا و ارز از فصل سوم و ماده ۱۵ به آن اشاره شده که مقرر داشته هر شخصی که مرتکب قاچاق کالا و ارزش و حمل و یا نگهداری آن شود علاوه بر ضبط کالا یا ارز به جریمه نقدی مقرر محکوم می‌شود و در ماده ۱۶ آورده که در صورتی که کالای قاچاق موضوع ماده ۱۵ این قانون با کالای دیگر مخلوط شود و امکان تفکیک وجود نداشته باشد تمام کالا ضبط و پس از کسر جریمه‌های ماده مذکور و سایر هزینه‌های قانونی به نسبت کالای غیر قاچاق از حامل فروشی به مالک مسترد می‌شود.

در قاچاق کالاهای ممنوع نیز در ماده ۱۹ لایحه علاوه بر ضبط کالا به شش ماه تا دو سال، جزای نقدی معادل ده برابر ارزش کالا و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود.

تبصره ۶ این ماده در صورتی که ارزش کالا بیش از یک میلیارد ریال باشد و توسط مالک یا با علم و اطلاع او مورد استفاده قرار گیرد مصادره می‌گردد و اگر ارزش کالا کمتر از مبلغ مذکور باشد و حداقل دوبار به این منظور استفاده شود و محکومیت قطعی یابد در مرحله سوم مصادره می‌گردد. در ماده ۲۵ قانونگذار بیان داشته در صورتی که قاچاق سازمان یافته و به

۱. جلال، منصور، قاچاق کالا و ارز از دیدگاه حقوق کیفری ایران با استناد به مصوبه سال ۱۳۸۴ مجمع تشخیص

مصلحت نظام، تهران، انتشارات پژوهشهای حقوقی شماره ۱۰، ۱۳۸۵، ص ۱۸۶

۲. آقازاده، علیرضا، قاچاق کالا، تهران، انتشارات آریان، ۱۳۸۲، ف ص ۹۰

قصدها را با نظام جمهوری اسلامی ایران صورت گیرد و منجر به اخلاف در نظام تولیدی و... گردد مرتكب مفسد فی الارض و علاوه بر مصادره اموال مطابق قانون محكوم می گردد.

۴) مجازاتهای بدنی

در گذشته از مجازاتهای بدنی همانند شلاق به عنوان مجازات زیاد استفاده می شد. برخی معتقداند به علت خشن بودن جرائم در آن دوران مجازاتها نیز خشن بوده است.^۱ اما بعد از آن متفكران قرن هجدهم و نوزدهم مجازاتهای بدنی و شدید را به شدت، مورد انتقاد قرار دادند. این مجازاتها كمتر استفاده می شود. به عنوان مثال سزاربكاريا اعتقاد داشت مجازاتها باید به گونه ای انتخاب شود كه بیشترین اثر را در ذهن و كمترین اثر در جسم افراد باقی گذارد.^۲ به همین دلیل مجازاتها به سمت اثرگذاری بر روح بشر، سوق داده شد و مجازات شلاق به تدریج از زردادخانه کیفری كنار گذاشته شد. در ایران نیز صرف نظر از جرائم مستوجب حد، قانونگذار كمتر از مجازات شلاق استفاده کرده است.

بند دوم: مجازات شروع به جرم قاچاق، معاونت و شركت در قاچاق کالا و ارز

۱) مجازات شروع به جرم قاچاق

۱-۱) مجازات شروع به جرم قاچاق کالا با بهای معادل ده میلیون ریال یا كمتر از آن مطابق بند (الف) ماده دوم قانون نحوه اعمال تعزیرات حكومتی همانند جرم تام قاچاق چنانچه بهای مال موضوع شروع به قاچاق معادل ده میلیون ریال یا كمتر از آن باشد صرفاً به ضبط کالا اكتفا خواهد شد و مجازات دیگری برای شروع كننده جرم قاچاق قابل تصور نیست.

۱. فوكو، میشل، مراقبت و تنبیه تولد زنان، ترجمه نیکو سرخوش، تهران، انتشارات چاپ چهارم، ۱۳۸۲، ص ۶۹
۲. بكاريا، سزار، رساله جرائم و مجازاتها، ترجمه دكتر محمدعلی اردبیلی، تهران، انتشارات میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۵، ص ۶۷

۲-۱) مجازات شروع به جرم قاچاق کالا با بهای بیش از ده میلیون ریال

مطابق بند ب ماده دوم قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی و ماده دوم قانون مجازات مرتکبین قاچاق چنانچه بهای کالای موضوع شروع به قاچاق بیش از ده میلیون ریال باشد عین کالا ضبط و مباشر آن به پرداخت نصف جریمه نقدی مقرر برای جرم کامل قاچاق همان کالا محکوم و چنانچه در مرحله اداری جریمه نقدی پرداخت شود موضوع تعقیب کیفری متهم منتفی است و در صورتی که متهم از پرداخت جریمه نقدی در مرحله اداری استنکاف نماید پرونده به مراجع قضایی یا محاکم صالح دیگر ارجاع و محاکم قضایی علاوه بر ضبط کالا و جریمه نقدی یاد شده، متهم در صورت احرار بزه شروع به قاچاق، با رعایت مقررات ماده یک اصلاحی ۱۳۷۳/۱۱/۹ و ماده ۲ ان قانون بند (ب) ماده دوم قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی... چنانچه کالای موضوع قاچاق مجاز و مجاز مشروط و موضوع عایدات دولت باشد به تحمل شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم و اگر کالای مکشوفه از جمله کالاهای ممنوع الورد و ممنوع الصدور انحصاری باشد، تحمل دو ماه تا یک سال حبس تعزیری محکوم خواهد شد. 'مجازات شروع به جرم در ماده ۶۵ لایحه آن اشاره شده که مقرر گردیده مجازات شروع به جرم قاچاق حسب مورد حداقل مجازات قاچاق کالا و ارز موضوع این قانون است.

۲) مجازات معاونت در قاچاق کالا

طبق مقررات ماده سوم قانون مجازات مرتکبین قاچاق یکی از افعالی که جنبه مجرمانه داشته و قابل مجازات تعیین شده است معاونت در بزه قاچاق است. بنابراین اگر کسی که در قالب یکی از شقوق مندرج در ماده ۴۳ ق.م.ا. تحقق بزه قاچاق را مساعد و یا تسهیل نماید وفق مقررات یاد شده قابل کیفر بوده و براساس آن معادل به کیفر حبس مباشر آن محکوم ولی به جزای نقدی و بهای مال از بین رفته محکوم نمی شد، با تصویب قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی از موارد قاچاق کالا با بهای کمتر از ده میلیون ریال و همچنین قاچاق کالا با بهای بیش از ده میلیون ریال به شرطی که در هر مرحله اداره جریمه نقدی پرداخت شده باشد جرم زدایی بعمل

۱. سبزه‌ای، بهرام، ماهیت حقوقی جرم قاچاق کالا در قوانین موضوعه ایران، تهران، انتشارات سروش الوند،

آمده و معاون جرم در اینگونه موارد فاقد مسئولیت کیفری محسوب می‌شود ولی در مواردی که بهای کالا بیش از ده میلیون ریال باشد و سازمان شاکی تعقیب کیفری صاحب کالا را درخواست می‌نماید در این صورت احراز بزه قاچاق و محکومیت مباشر در حدود مقررات مواد اول و سوم قانون مجازات مرتکبین قاچاق مواد ۴۳ و ۷۲۶ ق.م.ا. اقدام به رسیدگی و تعیین کیفر خواهد شد.^۱ در بسیاری از جرائم ممکن است همه افراد مستقیماً در انجام عملیات اجرایی نقش نداشته باشند بلکه با اعمالی از قبیل تهدید، تحریک، ترغیب، تهیه وسایل و... مباشران جرم را یاری نمایند. طبق ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵... اشخاص زیر معاون جرم محسوب و باتوجه به شرایط و امکانات خاصی و دفعات و مراتب جرم.

بخش چهارم: نگاهی به مراجع صالح به رسیدگی در راستای جرم قاچاق کالا و ارز در رویه قضایی

مقنن در مقام تعیین مراجع رسیدگی کننده به جرم قاچاق، مراحل و دستگاههای متعدد اداری (غیرقضایی) را صالح به رسیدگی دانسته و در این امر از سیاست قضازدائی تبعیت نموده است که به شرح مختصری از آن و همچنین ذکر دستگاههای رسیدگی کننده به تخلفات قاچاق می‌پردازیم:

طرح اندیشه قضاءزدایی، کیفرزدائی، جرم زدائی از جمله مواردی است که در دهه‌های گذشته توسط اندیشمندان علم حقوق به عنوان ابزارهای مفید جهت تراکم زدائی از دادگاهها و کاهش آمار جرائم به شدت مورد توجه واقع و در تدوین سیاستهای قضایی کشورهای مختلف بکار رفته است تا جایی که این موضوع در کنار آموزه‌های کیفرزدائی و جرم زدائی موجب عقب‌نشینی حقوق کیفری در جهت افزایش قلمرو مداخله حقوق اداری و انضباطی با حقوق مدنی در چندین کشور گردیده است. در این میان قوانین کشورهای نیز با تبعیت از سیاست مذکور در برخی موارد صلاحیت مراجع قضایی را تا حدودی محدود نموده و در عوض با ایجاد برخی صلاحیتهای شبه قضائی، به برخی دستگاههای اجرایی سعی در ترافع، مصالحه، میانجیگری، مواخذه پلیس و... داشته است که از آن جمله رسیدگی به تخلفات

۱. آقازاده، علیرضا، قاچاق کالا، انتشارات آیان، ۱۳۸۳، ص ۱۰۲

رانندگان توسط مأمور انتظامی، رسیدگی به تخلفات مالیاتی توسط مأمورین حکومتی و حل و فصل دعاوی توسط شورای حل اختلاف را می‌توان اشاره نمود. در امر قاچاق نیز قانونگذار با تفویض و اعطای اختیار رسیدگی به تخلفات راجع به قاچاق کالا و ارز به مراجع غیرقضایی این سیاست را دنبال نموده و در پی اعمال آن برآمده است بطوریکه به غیر از مراجع قضایی چندین دستگاه دیگر را به عنوان مراجع رسیدگی کننده به تخلفات قاچاق در نظر گرفته است.

بند اول: مراجع اداری (ادارات مأمور وصول درآمدهای دولت)

سازمان شاکی: در قانون سازمانهایی برای کشف و تعقیب جرم قاچاق پیش‌بینی شده که با عنوان سازمان شاکی؛ یعنی سازمانهایی که موظف به وصول جریمه و اعلام شکایت و طرح دعوا علیه مرتکبان قاچاق کالا و ارز هستند. سازمان کاشف: که به موجب قوانین و مقررات جاری کشور وظیفه مبارزه با قاچاق کالا و ارز برعهده دارد. در این زمینه می‌توان گفت که گمرک جمهوری اسلامی ایران، بانک مرکزی، شرکت دخانیات ایران، شرکت سهامی شیلات ایران و وزارت امور اقتصادی و دارایی حسب مورد به عنوان سازمان شاکی و گاهی به عنوان سازمان کاشف تلقی می‌گردد و نیروی انتظامی هم که وظیفه مبارزه با قاچاق کالا و ارز را برعهده دارد همواره به عنوان سازمان کاشف تلقی می‌گردد که صلاحیت این دو مرجع کاملاً متمایز و مشخص است که اکنون در دو بخش صلاحیت مراجع اداری را بررسی می‌نمائیم:

۱) در صورتی که بهای کالا یا ارز قاچاق معادل ده میلیون ریال یا کمتر از آن باشد: قانونگذار در سال ۱۳۷۴ به منظور سرعت بخشیدن به روند رسیدگی به جرم قاچاق، صلاحیت رسیدگی به پرونده‌های مربوط به قاچاق کالا و ارز، که بهای آنها معادل ده میلیون ریال و یا کمتر از آن می‌باشد را از محاکم قضایی سلب و تمامی امور مربوط به رسیدگی و تعیین و اعمال ضمانت‌های اجراهای کیفری را در صلاحیت ادارات مأمور وصول درآمدهای دولت و یا سازمانهای شاکی قرار داده است به عبارتی مقنن تعقیب کیفری اینگونه جرائم را غیرضروری قلمداد و اقدام اداری را برای مبارزه با آن کافی دانسته است.

ماده ۲ قانون یاد شده در این خصوص چنین مقرر می دارد: «به منظور و رسیدگی و تعیین تکلیف قطعی پرونده‌های مربوط به کشفیات قاچاق اعم از کالا و ارز اداره‌های مأمور وصول درآمدهای دولت و یا سازمانهایی که به موجب قانون مبارزه با قاچاق، شاکی محسوب می شوند در صورت احراز کالا و یا ارز قاچاق مکلفند حداکثر ظرف ۵ روز نسبت به تکمیل پرونده اقدام و براساس جرایم و مجازاتهای مقرر در قوانین مربوطه و این قانون به ترتیب ذیل عمل نمایند.

در مواردی که بهای کالا و ارز موضوع قاچاق معادل ده میلیون ریال و یا کمتر باشد، ادارات و سازمانهای ذی ربط به ترتیبی که در آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد، فقط به ضبط کالا و ارز به نفع دولت اکتفا می کنند...»

باتوجه به مفاد این ماده رسیدگی و تعیین تکلیف در خصوص پرونده‌های موضوع بند الف آن در صلاحیت مراجع اداری بوده و مقامات قضایی تنها در صورت شکایت و اعتراض صاحبان کالا و ارز نسبت به اقدامات و تصمیمات عوامل اجرایی، دخالت نموده و در مقام تجدیدنظر نسبت به این قبیل پرونده‌ها وارد رسیدگی ماهیتی شده و در مورد تأیید حکم محکومیت (تصمیم متخذه) از سوی مقامات اداری و یا نقض آن و عندالاقضاء استرداد اموال ضبط شده، اتخاذ تصمیم می نمایند. برخلاف مصوب قانونی مورد بحث که اختیار و صلاحیت ضبط کالا یا ارز قاچاق را به ادارات مأمور وصول درآمدهای دولت واگذار نموده، ماده ۳ آیین نامه اجرای آن، اختیار ضبط را در مورد مصادیق مشمول بند الف ماده ۲، به سازمانهای کاشف داده و بیان نموده در مواردی که بهای کالا یا ارز قاچاق در زمان کشف معادل ده میلیون ریال یا کمتر باشد سازمان کاشف فقط به ضبط کالا و از به نفع دولت اکتفا می کند و عین کالا و ارز مکشوفه را با تنظیم صورتجلسه کشف به ادارات مربوط مأمور وصول درآمدهای دولت تحویل می دهد، بدیهی است در صورتی که اعمال ارتكابی واجد سایر عناوین اجرایی باشد سازمان کاشف اقدامات قانونی را اعمال خواهد نمود. «

به نظر می رسد ماده ۳ مرقوم، از بابت صلاحیت و اختیار ضبط کالا و ارز برای سازمانهای کاشف، مخالف مفاد بند الف ماده ۲ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز بوده و لذا دادگاهها در راستای وظیفه‌ای که در خصوص عمل نکردن به آیین نامه‌های

خلاف قانون دارند. نباید در رسیدگی‌های خود به آن توجه نمایند و هر ذی‌نفعی می‌تواند ابطال آن را از دیوان عدالت اداری بخواهد اما باید به این نکته توجه داشت هرچند مطابق تبصره ۵ آیین نامه موصوف در مناطقی که اداره‌های مأمور وصول درآمدهای دولت تشکیل نشده باشد، اداره‌های یاد شده می‌توانند به سازمانهای کاشف تفویض اختیار نمایند تا نسبت به تشکیل پرونده و اعلام جرم علیه متهمان اقدام کند. ولی این تفویض اختیار منوط به احراز شرایطی است؛ اولاً اینکه این ادارات مأمور وصول عایدات دولت باید از لزوم چنین امری را تشخیص دهند ثانیاً تفویض اختیار در مورد مناطقی ممکن است که اداره‌های یاد شده تشکیل نشده باشند، ثالثاً به نظر می‌رسد فقط اختیار تشکیل پرونده و اعلام جرم به سازمانهای کاشف قابل واگذاری باشد به اختیار ضبط کالا یا ارز قاچاق (لازم به ذکر است، طبق ماده ۲ آیین نامه اجرای مصوب ۱۳۷۴ از بین ادارات مأمور وصول درآمدهای دولت تنها گمرک می‌توانست اختیارات خود را فقط به نیروی انتظامی به عنوان یکی از سازمانهای کاشف تفویض نماید. آن هم در موردی که بهای کالا یا ارز مکشوفه معادل ده میلیون ریال یا کمتر باشد)

البته در مورد اقدامات گمرک در این زمینه، با مشکل یا ابهام قانونی مواجه نخواهیم بود، چرا که همانطور که گفته شد گمرک جمهوری اسلامی ایران، در رابطه با جرم قاچاق کالا و ارز هم می‌تواند در مقام سازمان کاشف و هم به عنوان اداره مأمور وصول درآمدهای دولت و یا سازمان شاکی عمل نماید.^۱

۲) در صورتی که بهای کالا یا ارز قاچاق بیشتر از ده میلیون ریال باشد

چنانچه سازمان کاشف بهای کالا یا ارز قاچاق را بیش از ده میلیون ریال تشخیص دهد، عین کالا و ارز مکشوفه را (به همراه متهم) به اداره مربوط مأمور وصول درآمدهای دولت تحویل می‌دهند (ماده ۴ آیین نامه موصوف) در این حالت مأمورین سازمان کاشف صرفاً می‌توانند تا حداکثر ۲۴ ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند و در مواردی که ادامه سلب آزادی متهم برای بیشتر از یک مدت ضرورت داشته باشد، مأمورین مکلفند مراتب را فوراً به دادستان محل اطلاع دهند تا مطابق مقررات از سوی مقام قضایی، اقدام به صدور قرار تامین کیفری مناسب

۱. بند ب و ت ماده یک آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب

گردد^۱ بنابراین تحت نظر قرار دادن متهم بیش از ۲۴ ساعت توسط مأمورین سازمانهای کاشف، فاقد وجهت قانونی بوده و متخلف به مجازات مقرر در ماده ۸۰۶ ق.م.ا. مصوب ۹۲/۲/۱ محکوم خواهد شد. در مواردی که بهای کالا و ارز قاچاق تحویلی به اداره مأمور وصول عایدات دولت از ده میلیون ریال تجاوز کند چنانچه متهم در مراحل اداری حاضر به پرداخت جریمه باشد با احتساب دو برابر بهای آن به عنوان جزای نقدی نسبت به وصول جریمه و ضبط کالا و ارز اقدام و از تعقیب کیفری متهم از حیث عمل قاچاق و شکایت علیه مرتکب صرفنظر می شود.^۲ در صورتی که متهم در بازداشت باشد بلافاصله آزاد و در مواردی که متهم حاضر به پرداخت جریمه تعیین شده باشد ولی امکان پرداخت فوری را نداشته باشد سازمان شاکی (اداره مربوطه) می تواند از مرجع رسیدگی کننده درخواست اخذ تأمین مناسب نماید. (ماده ۶ آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حقوقی مراجع به قاچاق کالا و ارز) بنابراین در صورتی که بهای کالا یا ارز قاچاق بیش از ده میلیون ریال باشد سه حالت را می توان تصور نمود. اول زمانی که متهم حاضر به پرداخت جریمه قانونی باشد. دوم موردی که متهم حاضر به پرداخت جریمه نیست. و سوم حالتی که متهم حاضر به پرداخت جریمه است ولی امکان پرداخت آن را ندارد. بدیهی است در هر سه حالت مال موضوع قاچاق به نفع دولت ضبط خواهد شد.

۲-۱- متهم حاضر به پرداخت جریمه می باشد

در مواردی که بهای کالا یا ارز موضوع قاچاق از مبلغ ده میلیون ریال بیشتر باشد، چنانچه متهم به ارتکاب قاچاق در مرحله اداری و پس از اعلام اداره مأمور وصول درآمدهای دولت مبنی بر پرداخت جریمه نقدی حاضر به پرداخت جریمه نقدی تعیین شده باشد سازمان شاکی بر مبنای دو برابر قیمت مال مورد قاچاق به وصول جریمه نقدی و ضبط کالا یا ارز مکشوفه اقدام و از تعقیب کیفری متهم از حیث عمل قاچاق و شکایت علیه وی صرف نظر می نماید و با از بین رفتن موجبات تعقیب کیفری، متهم بلافاصله آزاد می گردد. موقعی که جریمه نقدی از مرتکب قاچاق در مرحله اداری وصول می گردد اداره های مأمور وصول درآمدهای دولت در مقابل

^۱. ماده ۲۴ ق.آ.د. ک مصوب ۱۳۷۸

^۲. بند ب ماده ۲ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز

دریافت جریمه قبض رسید رسمی به پرداخت کننده آن تحویل می‌نمایند. در هر حال پرداخت جریمه نقدی آثار جزائی نداشته و مشمول مقررات تکرار یا تعدد جرم نخواهد بود.^۱ لذا ملاحظه می‌گردد قانونگذار سعی نموده حتی‌الامکان در صورتی که متهم حاضر به کالا و پرداخت جریمه می‌باشد به قضازدایی متوسل و از ورود پرونده‌های چنین به مراجع قضایی جلوگیری تا از تراکم پرونده‌ها در دستگاه عدالت کیفری بکاهد و به منظور تشویق متهمان به همکاری با سازمانهای اجرایی و پرداخت جریمه متعلقه پرداخت جزایی نقدی را فاقد آثار جزایی و بدون نیاز به ثبت در سجل کیفری آنها دانسته است. حتی به متهمان در این حالت فرصت و اجازه داده در صورت اعتراض به ضبط کالا یا ارز یا اخذ جریمه، حداکثر ظرف مدت دو ماه به مراجع صالح قضایی شکایت و اعتراض نمایند. تا در صورت تحصیل برائت اصل کالا یا قیمت آن به نرخ روز صدور حکم و معادل ریالی ارز به نرخ رسمی و جزای نقدی پرداختی به آنها مسترد گردد، ولی در هر حال اعتراض صاحبان کالا یا ارز قاچاق مانع از ادامه عملیات اجرایی نسبت به ضبط مال و اخذ جریمه و فروش و واریز وجوه به نفع دولت و سایر اقدامات قانونی نخواهد بود.^۲

۲-۲- متهم حاضر به پرداخت جریمه نمی‌باشد

چنانچه پس از کشف کالا یا ارز قاچاق و ارسال آن به سازمان شاکی ذی‌ربط، بهای کالا یا ارز بیش از ده میلیون ریال تشخیص داده شود و مراتب تکلیف پرداخت جریمه و میزان آن به مرتکب اعلام ولی وی به پرداخت جریمه تعیین تمکین نکرده و از پرداخت آن استنکاف نماید در این صورت سازمان شاکی، متهم را با تنظیم صورتجلسه کشف قاچاق به مراجع قضایی یا سازمان تعزیرات حکومتی معرفی و با اعلام شکایت پرونده متهم را جهت تعقیب کیفری و وصول جریمه نقدی به مراجع یاد شده ارسال می‌نمایند.

قسمت دوم ذیل بند «ب» ماده ۲ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز در این خصوص مقرر می‌دارد «در صورتی که متهم حاضر به پرداخت جریمه در مرحله بند «ب» نباشد پرونده متهم جهت تعقیب کیفری و وصول جریمه حداکثر ظرف ۵ روز از

۱. قسمت اخیر ماده ۶ ق. م. ق. اصلاحی ۱۳۵۳/۲/۲۹

۲. فراز چهارم از ماده ۲ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز

تاریخ کشف به مرجع قضایی ارسال می‌گردد در صورت اثبات جرم علاوه بر حبس متهم و ضبط کالا و ارزش جرمه متعلقه به هر حال از دو برابر بهای آن کمتر نخواهد بود دریافت می‌گردد. بدیهی است در صورت امتناع متهم از پرداخت جرمه نقدی به منظور استیفای حقوق دولت و به موجب ماده ۷ قانون مجازات مرتکبین قاچاق، سازمان شاکی می‌تواند در خصوص بهای مال از بین رفته تقاضای تأمین از اموال متهم معادل جرمه نقدی و بهای مال از بین رفته را بنماید.^۱

سؤالی که در این حالت ممکن است مطرح شود این است که در صورتی که متهم به ارتکاب قاچاق جرمه تعیینی توسط سازمان شاکی را پرداخت ننماید آیا می‌تواند از فرصت اعتراض در نظر گرفته شده در قسمت دوم بند «ب» ماده ۲ قانون یاد شده برای متهمان قاچاق (در خصوص ضبط کالا یا ارزش مأخوذه و تعیین جرمه) استفاده نماید؟ یا اینکه چنین حقی را دارا نمی‌باشد؟ جواب این سؤال منفی خواهد بود چرا که در ماده ۲ مذکور حق یاد شده برای متهمین در نظر گرفته شده که مشمول یکی از بندهای «الف» یا «ب» بوده و مال آنان ضبط گردیده و در مورد بند «ب» جرمه را نیز پرداخت نموده باشند والا در صورت عدم پرداخت جرمه قسمت اخیر ماده ۲ سازمانهای شاکی را مکلف به طرح شکایت و تعقیب کیفری مستکف از پرداخت جرمه نموده و چنانچه متهم اعتراضی داشته باشد می‌تواند ضمناً ارائه دفاعیات خود در برابر اتهام ارتکاب قاچاق ابراز نماید.

۲-۳- متهم امکان پرداخت فوری جرمه را ندارد

در مواردی متهم حاضر به پرداخت جرمه نقدی تعیین توسط سازمان شاکی است ولی امکان پرداخت فوری آن را ندارد و برای تأدیه آن تقاضای مهلت می‌نماید، سازمان شاکی ضمن تقاضای اخذ تأمین مناسب یا جرمه از مراجع صالح رسیدگی به جرم قاچاق کالا یا ارزش به متهم برای پرداخت جرمه مهلت مناسبی داده یا ترتیب خاص دیگری از قبیل پرداخت جرمه‌های اقساطی معین در نظر می‌گیرند. (ماده ۱۶ آیین نامه احراپی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارزش) در این خصوص سازمان شاکی از نظر طول مدت مهلت اعطایی و یا میزان اقساط و شرایط آن محدودیتی ندارد و از اختیار مطلق برخوردار

می‌باشد. اما باتوجه به عدم صراحت قانونی در این رابطه ممکن است این سؤال پیش آید که در مواردی که متهم برای پرداخت جریمه نقدی اعلام آمادگی نموده و تقاضای مهلت می‌نماید و در نتیجه پرونده برای صدور قرار تأمین مناسب به مراجع قضایی ارسال می‌گردد مراجع قضایی به چه نحوه اقدام خواهند نمود؟ آیا تقاضای سازمان شاکی مبنی بر صدور و اخذ تأمین مناسب باید توأم با اعلام شکایت و تقاضای تعقیب کیفری متهم از سوی سازمان شاکی بوده و مستلزم ورود مراجع قضایی در ماهیت امر و تفهیم اتهام و اخذ تأمین از متهم خواهد بود یا اینکه مرجع رسیدگی صرفاً مبادرت به صدور دستوری قضایی می‌نماید؟

در پاسخ و باتوجه به مقررات عمومی و الزامات آیین دادرسی مقرر برای محاکم قضایی به نظر می‌رسد درخواست صدور تأمین توسط سازمان شاکی لزوماً باید توأم با اعلام شکایت و تقاضای تعقیب کیفری متهم باشد، لکن در ضمن اعلام جرم، به موضوع آمادگی متهم برای پرداخت جریمه نقدی و احتمال انصراف سازمان شاکی از تعقیب کیفری متهم نیز اشاره شود و محاکم قضایی مانند سایر موارد اعلام جرم از سوی سازمانهای شاکی مبادرت به رسیدگی ماهوی نموده و پس از تفهیم اتهام به متهم، قرار تأمین مناسب صادر و در صورت تودیع تأمین از سوی متهم، پرونده تا زمان وصول کامل جریمه نقدی از سوی سازمان شاکی و اعلام نظر مجدد آن سازمان مفتوح باشد و در هر مرحله که سازمان شاکی وصول کامل جریمه نقدی را اعلام و از ادامه شکایت منصرف شد مطابق ماده ۶ ق. م. ق. محاکم قضایی با صدور قرار موقوفی تعقیب پرونده را مختومه خواهند نمود ولی از آنجا که سقف زمانی معینی برای اعلام نظر سازمان شاکی مبنی بر وصول جریمه و یا انصراف از تعقیب کیفری متهم پیش‌بینی نشده است معلق ساختن و بعد تکلیف نگهداشتن پرونده فاقد توجیه قانونی است و لازم است در این خصوص ظرف زمانی خاص از سوی قانونگذار پیش‌بینی شود در حال حاضر در عمل سازمانهای شاکی برای اعطای مهلت به متهم جهت پرداخت جریمه نقدی و تقاضای صدور تدمین از مراجع به شیوه فوق عمل نمی‌کنند و در صورت عدم پرداخت فوری جریمه نقدی، پرونده را جهت تعقیب کیفری متهم و وصول جریمه نقدی به محاکم قضایی ارسال می‌دارند.

بند دوم: مراجع قضایی (دادگاههای عمومی و انقلاب)

هرچند قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی مراجع به قاچاق کالا و ارز مصوب (۱۳۷۴/۲/۱۲) مجمع تشخیص مصلحت نظام، اصل را بر صلاحیت مراجع اداری در رسیدگی به جرم قاچاق کالا و ارز (همچنین اعمال در حکم قاچاق کالا و ارز) نهاده به طوری که در بدو رسیدگی، مراجع قضایی را از رسیدگی به این جرایم منع نموده است با این حال به صورت مشروط و در مواردی که مرتکب حاضر به پرداخت جریمه نقدی تعیین توسط سازمان شاکی نمی‌باشد، به منظور مبارزه قاطع با قاچاق و الزام متهم به تحمل مجازات قانونی در طول صلاحیت مراجع اداری صلاحیت مراجع قضایی نیز محلول و حتی در مواردی مراجع شبه قضایی (سازمان تعزیرات حکمتی) اجازه رسیدگی قضایی جرایم قاچاق کالا و ارز را اعطاء نموده است. در امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز رسیدگی قضایی صرفاً توسط مراجع قضایی (وابسته به قوه قضائیه) صورت نمی‌گیرد بلکه ممکن است این رسیدگی توسط سازمان‌های شبه قضایی (وابسته به قوه مجریه) نیز صورت پذیرد. البته رسیدگی دادگاهها و سازمانهای اداری شبیه تعزیرات حکومتی گاهی در مقام رسیدگی به اتهام متهمین استکاف از پرداخت جریمه نقدی می‌باشد و گاهی در مقام رسیدگی به اعتراض آنها به تصمیمات سازمانهای شاکی در مرحله رسیدگی اداری که مبنی بر ضبط کالا یا ارز قاچاق و با اخذ جریمه اتخاذ گردیده است. صرف نظر از مرجع رسیدگی کننده قاچاق کالا یا ارز قانونگذار در بعضی از موارد تصمیمات خاصی نیز به منظور رسیدگی سریع و قاطع به این جرایم مقرر نموده است. قبل از تحقق انقلاب اسلامی با توجه به جنبه عمومی جرایم قاچاق کالا و ارز، رسیدگی به آنها در دادسراها و دادگاههای عمومی انجام می‌گرفت و به لحاظ جنبه‌ای بودن این جرایم رسیدگی مربوطه در صلاحیت دادگاه جنبه قرار داشت و تنها نسبت به بعضی از انواع قاچاق از جمله قاچاق اسلحه و مهمات جنگی و مواد منفجره و محترقه و فشنگ و تفنگ شکاری همچنین قاچاق مسلحانه، صلاحیت رسیدگی با دادگاه نظامی بوده است^۱ البته تا قبل از تصویب قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح که مقررات ماده ۴۳ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ را ملغی اعلام نموده رسیدگی به کلیه جرایم قاچاق در صلاحیت محاکم

۱. ماده ۵ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح مصوب ۱۳۵۰/۱۰/۲۶

عمومی بود. پس از انقلاب، ابتدا به موجب قانون اعاده صلاحیت مراجع قضایی دادگستری مصوب ۱۳۵۸/۲/۱۱ شورای انقلاب، رسیدگی به جرایم مربوط به اسلحه و مهمات و قاچاق مسلحانه از صلاحیت محاکم نظامی خارج و مجدداً در صلاحیت دادگاه عمومی دادگستری قرار گرفت. بعد از تصویب لایحه قانونی تشکیل دادگاههای عمومی مصوب ۱۳۵۸/۶/۲۰ و تقسیم دادگاه عمومی به حقوقی و جزائی، رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز به دادگاههای عمومی جزائی واگذار گردید و سپس در سال ۱۳۶۲ با تصویب ماده واحده قانون حدود صلاحیت دادسراها و دادگاههای انقلاب رسیدگی به پرونده‌های قاچاق در صلاحیت دادسراها و دادگاههای انقلاب قرار گرفت. با تصویب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در تاریخ ۱۳۷۳/۴/۱۵ دادگاههای انقلاب اسلامی همچنان صلاحیت ذاتی خود را برای رسیدگی به جرایم قاچاق حفظ نموده‌اند و به موجب بند ۵ ماده ۵ این قانون این امر مورد تأیید قرار گرفت. ضمن تصویب قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز در تاریخ ۱۳۷۴/۲/۱۲، هرچند صلاحیت ذاتی دادگاههای انقلاب اسلامی در رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز حفظ گردید، ولی قانونگذار به جهت تسریع در رسیدگی به این قبیل جرایم مواردی به دادگاههای عمومی و حتی به محاکم اداری سازمان تعزیرات حکومتی، سازمان جداگانه‌ای که دولت تعیین خواهد کرد صلاحیت رسیدگی اعطا نمود بنابراین در حال حاضر سه مرجع را می‌توان صالح برای رسیدگی به جرایم قاچاق کالا ارز دانست که عبارتند از: دادگاههای انقلاب اسلامی، دادگاههای عمومی جزائی، (در حال حاضر و با توجه به قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب به دادسراهای عمومی و انقلاب در معیت دادگاهها وظیفه تعقیب متهمان و انجام مقدماتی را برعهده دارند) و بالاخره شعب سازمان تعزیرات حکومتی صلاحیت رسیدگی این مراجع به ترتیبی که ذکر شده در طول صلاحیت رسیدگی دیگری می‌باشد^۱

۱) صلاحیت دادگاههای انقلاب اسلامی

همانطور که گفته شد قانونگذار در سال ۱۳۶۳ با انجام اصلاحات قانونی در مورد حدود و موارد صلاحیت ذاتی دادرها و دادگاههای انقلاب اسلامی، برای نخستین بار صلاحیت رسیدگی به پرونده های قاچاق را از دادرها و دادگاههای عمومی سلب و به دادرها و دادگاههای انقلاب اسلامی تفویض نمود. ماده واحده قانون حدود صلاحیت دادرها و دادگاههای انقلاب مصوب ۱۳۶۲/۲/۱۱ چنین مقرر کرده بود دادرها و دادگاههای انقلاب، بخشی از دادگستری جمهوری اسلامی ایران است زیر نظر شورای عالی قضایی اداره می شوند و صلاحیت آن عبارت است از:

- ۱- کلید جرایم علیه امنیت خارجی و داخلی و محاربه و افساد فی الارض
 - ۲- سوء قصد به مقامات سیاسی
 - ۳- کلیه جرایم مربوط به مواد مخدر و قاچاق
 - ۴- قتل و کشتار و حبس و شکنجه به منظور تحکیم رژیم پهلوی و سرکوب مبارزات مردم به مباشرت
 - ۵- غارت بیت المال
 - ۶- گران فروشی و احتکار ارزاق عمومی و...
- صلاحیت رسیدگی دادگاههای انقلاب برای رسیدگی به جرایم قاچاق، در سال ۱۳۷۳ و با تصویب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مجدداً مورد تأکید قرار گرفت و ایفا گردید و تاکنون نیز این صلاحیت پابرجاست. حتی با تصویب قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز هم تغییری در این زمینه ایجاد نشده است. منتها مقنن در برخی وارد جزئی و استثنایی به شکل مشروط صلاحیت را به سایر محاکم و در طول صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی تفویض نموده است. بنابراین پس از لازم الاجرا شدن قانون موصوف باز هم بنا بر صراحت بند ۵ از ماده ۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵، دادگاههای انقلاب برای رسیدگی به پرونده های قاچاق کالا و ارز صلاحیت ذاتی دارند.^۱ مطلبی که در اینجا ذکر آن ضرورتی است اینکه هر چند در قانون سال ۱۳۷۴ او

۱. ماده ۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵

آیین نامه اجرایی آن اولویت هر یک از محاکم انقلاب و عمومی، رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، تصریح نشده و تنها در تبصره ۲ ماده ۴ آن قانون ذکر عبارت «محاکم قضایی (شامل دادگاه‌های انقلاب و یا دادگاه‌های عمومی)» اکتفاء گردید، ولی با وجود این با توجه به عدم نسخ مقررات مربوط به تعیین حدود و موارد صلاحیت دادگاه‌های انقلاب، موضوع ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، همچنین ماده ۱ نحوه دستورالعمل نحوه رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴/۲/۹ ریاست محترم قوه قضائیه که مقرر داشته: «در شهرستان‌ها و بخش‌هایی که دادگاه انقلاب تشکیل نشده است، دادگاه‌های عمومی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز رسیدگی خواهند نمود» معلوم می‌شود که قانون‌گذار صلاحیت اصلی و ذاتی دادگاه انقلاب را مفروض دانسته و در کنار صلاحیت انحصاری این دادگاه، صلاحیت‌هایی را به سایر محاکم (محاکم عمومی و شعب تعزیرات حکومتی) نیز اعطاء نموده است. بنابراین در حال حاضر به استناد بند ۵ از ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۷۳/۴/۱۵ در شهرستان‌ها و بخش‌هایی که دادگاه انقلاب تشکیل شده است، رسیدگی به پرونده‌های قاچاق فقط در صلاحیت دادگاه‌های انقلاب بوده و سایر محاکم صلاحیت رسیدگی نخواهند داشت و چنانچه پرونده‌ای از سوی سازمانهای کاشف و یا سازمانهای شاکی به دادگاه‌های عمومی یا شعب تعزیرات حکومتی ارسال شود محاکم موصوف بدون رسیدگی در ماهیت باید با صدور قرار عدم صلاحیت به اعتبار صلاحیت و شایستگی رسیدگی دادگاه انقلاب، پرونده را به دادگاه انقلاب اسلامی مستقر در همان حوزه قضایی ارسال نمایند.

۲) صلاحیت دادگاه‌های عمومی^۱

دومین مرجع قضایی که مطابق قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۲ به جانشینی دادگاه انقلاب و در طول آن صلاحیت رسیدگی به جرم قاچاق و اعمال ضمانت اجرای کیفری را بر مرتکب قاچاق برعهده دارد، دادگاه‌های عمومی می‌باشد.

همانطور که بیان شد تا قبل از تصویب و لازم الاجرا شدن قانون حدود صلاحیت دادسراها و دادگاههای انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۲، به لحاظ صلاحیت عام دادسراها و دادگاههای عمومی به رسیدگی جرم، جرم قاچاق در صلاحیت این مراجع قرار داشت. اما بعد از آن، صلاحیت رسیدگی به این جرایم، منحصر به رسیدگی دادسراها و دادگاههای انقلاب گردید و این صلاحیت انحصاری محاکم انقلاب اسلامی تا زمان تصویب قانون نحوه اعمال تعزیرات حقوقی راجع به قاچاق کالا و ارز ادامه داشت، اما مجمع تشخیص مصلحت نظام پس از حدود ۱۲ سال از زمان سلب صلاحیت محاکم عمومی در رسیدگی به جرم قاچاق، صلاحیت رسیدگی این دادگاهها را در مورد پرونده‌های قاچاق مجدداً به رسمیت شناخت و به آن اعتبار قانونی داد. هرچند که این صلاحیت به صورت جزئی و استثنائی و منحصر به حوزه‌های قضایی است که در آن دادگاه انقلاب تشکیل نشده است. مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام و آیین نامه اجرائی آن، محاکم عمومی را در ردیف محاکم انقلاب ذکر و هر دو را تحت عنوان محاکم قضایی بیان نموده است و ترتیبی را از لحاظ اولویت رسیدگی آنها ذکر نکرده و همچنین به مواردی که دادگاههای عمومی واجد صلاحیت رسیدگی می‌باشد نیز اشاره‌ای ننموده است. لذا مصوبه فوق‌الذکر و آیین نامه اجرایی آن در این مورد دارای ابهام و اجمال بود تا اینکه حدود یک ماه بعد از تصویب قانون در تاریخ ۱۳۷۴/۳/۹، دستورالعمل نحوه رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز به تصویب ریاست محترم قوه قضائیه وقت رسید و در ماده ۲ آن اعلام گردید: «در شهرستان و بخشهایی که دادگاه انقلاب تشکیل نشده است دادگاههای عمومی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز رسیدگی خواهند نمود.»

با این حال برخی از دادگاهها ماده ۲ دستورالعمل موصوف را خلاف قانون (ماده ۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب که رسیدگی به قاچاق را جزء صلاحیت‌های دادگاه انقلاب ذکر نمود) می‌دانستند و لذا قائل به صلاحیت دادگاه عمومی در مورد قاچاق نبودند. (متأسفانه با اصلاح آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز در تاریخ ۱۳۷۹/۲/۲۹ این ابهام مرتفع نگردید و در ماده ۸ آن از عبارت کلی «محاکم قضایی» (شامل دادگاه عمومی و انقلاب) استفاده شد همین موضوع باعث گردید اختلاف رویه دادگاهها ادامه یابد تا اینکه دیوان عالی کشور با صدور رأی وحدت رویه شماره ۶۷۶-

۱۳۸۴/۳/۱۰ این ابهام و اجمال در قانون و آیین نامه اجرایی آن را برطرف و اعلام نمود: «هرچند به صراحت ماده ۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری رسیدگی به جرایم قاچاق و مواد مخدر علی الاطلاق به دادگاه انقلاب منطقه یا استان محول گردیده ولی از آجایی که مجمع تشخیص مصلحت نظام، با عنایت به اهمی بزه قاچاق کالا و ارز و اثرات سوء آن و ممانعت از بروز اختلالات بیشتر در امور ارزی، ضرورت تسریع در رسیدگی و اعمال مجازات قانونی خارج از تشریفات آیین دادرسی کیفری را مطابق تبصره یک ماده ۴ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴ تجویز نموده و در ماده ۲ دستورالعمل مربوط به آن مقرر گردیده: «در شهرستانها و بخش هایی که دادگاه انقلاب تشکیل نشده، دادگاههای عمومی به پرونده های قاچاق کالا و ارز رسیدگی خواهد نمود» با این تقدیر اصل صلاحیت قانونی دادگاههای محل وقوع جرم در صورت عدم تشکیل دادگاه انقلاب پذیرفته شده و به عقیده اکثریت اعضای هیئت عمومی دیوان عالی کشور رأی شعبه سی و دوم درحدی که با این نظر انطباق دارد صحیح تشخیص می گردد این رأی طبق ماده ۲۷ ق. آ. د. ک. در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم الاتباع می باشد.

نتیجه گیری

هرچند در سیاست جنایی ایران در قبال قاچاق کالا و ارز غالباً آشفتگی و پراکندگی مفرطی مشاهده می شود، به طوری که نمی توانیم به طور دقیق یک سیاست جهت دار و یا خط مشی ثابتی را در سیاست جنایی ایران ترسیم نمود و انجام و منطق آن را دقیقاً روشن ساخت ولی با بررسی متون قانونی می توان گفت مقام تقنینی سیاست جنایی در سال ۱۳۷۴، با تصویب قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز با دیدگاهی یک جانبه گرایانه و بخشی نگری و به جای ریشه یابی برای رفع علت ها صرفاً به مبارزه با معلول پرداخته و به جای پرداختن به جنبه های پیشگیرانه معضل قاچاق سعی کرده از طریق برخورد با موارد و مصادیق آن از طریق تشدید مجازات و سرکوب مرتکبین قاچاق درصدد حذف پدیده قاچاق برآید لذا با همین نگرش و به منظور سرعت بخشیدن به مراحل رسیدگی و تعیین تکلیف پرونده های مربوط به قاچاق کالا و با هدف تراکم زایی، از دادگاههای دادگستری و همچنین پیشگیری از

قاچاق کالا از طریق ارباب عمومی با پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری و آیین دادرسی سریع و استثنایی با تجدیدنظر اساسی در سازماندهی امر مبارزه با قاچاق کالا، صلاحیت انحصاری دستگاه عدالت کیفری در رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا را به نفع نظام اداری مورد تحدید و تطبیق قرار داده و اولویت مبارزه با اینگونه جرائم را به مقامات اداری مسئول داده است به طوریکه در پاره‌ای از موارد این صلاحیت به طور مقارن بار نظام قضایی به نظام اداری تفویض شده است در همین راستا لایحه قاچاق کالاوارز نقش مقام قضایی را پررنگ تر کرده و گام مثبتی را برداشته است. همچنین قوانین و موضوعات در خصوص قاچاق کالا و ارز خصوصاً قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی و آیین نامه اجرایی آن دارای نکات مبهم و پیچیدگی بسیاری است که بالطبع چنین امری موجب تشتت و تنوع برداشتها و تفسیرهای قضایی از سوی مقامات مسئول سیاست جنایی اعم از مقامات اداری و قضایی و نهایتاً سردرگمی مردم را به دنبال داشته است که لایحه جدید تا حدودی توانسته این مشکلات را مرتفع نماید. همچنین باید اذعان داشت سیاست کیفری ایران در قبال قاچاق کالا و ارز هم از لحاظ شکلی و هم از لحاظ ماهوی دارای اشکال بوده و قابل انتقاد است، قانون نحوه تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۴ که توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسیده که صلاحیت قانونگذاری ندارد و برپایه کار کارشناسی از لحاظ حقوقی، جرم‌شناسی، اقتصادی، اجتماعی مصوب شده است دارای اشکالات فراوانی می‌باشد که لازم است هرچه سریعتر لایحه مبارزه با قاچاق کالا و ارز به تصویب برسد تبدیل به قانون جامع گردد و به مرحله اجرا درآید.

منابع و مآخذ

الف) کتاب ها

- آشوری، محمد، جایگزینی زندان یا مجازات‌های بینابینی، تهران، انتشارات گل، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- آقازاده، علیرضا، قاچاق کالا، تهران، انتشارات آذریان، ۱۳۸۳ چاپ اول، ۱۳۸۳.
- آقازاده، علیرضا، مجموعه کامل قوانین و مقررات قاچاق کالا و ارز، انتشارات اندیشه، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- برادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
- بنایی، رضا، آشنایی با مقررات گمرکی و ترخیص کالا، انتشارات بازرگانی، چاپ چهارم، ۱۳۷۷.
- بهرامی، محسن و قاسمی، بهروز، آسیب شناسی قاچاق کالا و ارز در ایران، تهران، انتشارات فارابی، چاپ اول ۱۳۸۵.
- جرایم قاچاق کالا و ارز از دیدگاه علوم جنایی و حقوق کیفری، معاونت آموزشی قوه قضائیه، انتشارات مجد، ۱۳۹۰.
- راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۴۷.
- رحمدل، منصور، قاچاق کالا و ارز از دیدگاه حقوق کیفری ایران با استناد مصوبه سال ۱۳۸۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهران، انتشارات پژوهشهای حقوقی، ۱۳۸۵.
- رفعتی، محمدرضا، ارز از چند نرخ تا تک نرخ، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم سال ۱۳۷۲.
- سبزه‌ای، بهرام، ماهیت حقوقی جرم قاچاق کالا در قوانین موضوعه ایران، تهران، انتشارات سروش الوند، سال ۱۳۸۳.
- شادانیا، هوشنگ، قاچاق کالا، انتشارات فرماندهی و ستاد نیروی انتظامی، ۱۳۸۸.

- ضیایی، منوچهر، مجموعه قوانین پولی و بانکی و سایر قوانین مربوطه از سال ۱۲۸۵ تا ۱۳۷۰.
- فیروز جایی، مختار، قاجاق مال و ارز تهران، انتشارات نشر قانون، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- فیروز جایی، مختار، قاجاق کالا و ارز، تهران، انتشارات آزاده، چاپ دوم، اسفند، ۱۳۸۹.
- گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات میزان ۱۳۸۱.
- مجموعه فهرست عناوین و مقررات ۱۲۸۵ تا ۱۳۸۹، اداره کل تنقیح و تدوین قوانین و مقررات نخست وزیری، جلد سوم.
- ولیدی، محمد صالح، حقوق کیفری اقتصادی، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- اله مراد، سیف، قاجاق کالا در ایران، انتشارات مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۷.

ب) پایان نامه ها - مقالات - مجله ها

- اجتهادی - سید عبدالمجید، سیر تاریخی تقنینی قاجاق کالا و ارز، مجله ترجمان خبر، پژوهشکده سازمان تعزیرات، زمستان ۱۳۷۹، شماره یک.
- اجتهادی، عبدالمجید، بررسی جرائم و مجازاتهای قاجاق کالا و ارز و شیوه رسیدگی به آن در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- بدیعی، بهاره، پیشگیری اختصاصی از جرم با تأکید بر جرایم اقتصادی (جرم قاجاق کالا و ارز) دانشگاه آزاد، زمستان ۱۳۸۸.

- فلاح یخدانی، جمال، بررسی ماهیت جرایم قاچاق کالا و ارز و تشریفات رسیدگی به آن در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ۸۷-۱۳۸۶.
- مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات کیفری، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه، انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۸۶.
- مقدم، اکبر، کالبدشکافی پدیده قاچاق کالا در کشور، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده امام محمد باقر (ع)، ۱۳۸۵.
- میر احمدیان، روح اله، سیاست جنایی تقنینی ایران در مبارزه با قاچاق کالا، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، مهرماه سال ۱۳۸۸.